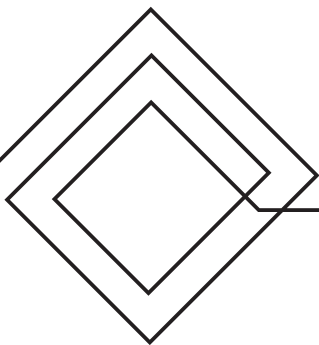




نگاهی به آثار نگارش و ضبط شده

امید آزادگان

امید آزادگان



مقدمه

نوشتن موسیقی را از سنین نوجوانی و برای آنسامبل‌های موسیقی پاپ که در آن‌ها مشغول نوازندگی بودم، آغاز کردم. نوشتن ترانه همراه با خط ملودی و آکورد گذاری‌های ساده و متداول در موسیقی مردم‌پسند در آن زمان که لازمه اصلی اقبال عمومی به سمت اجراها و کنسرت‌ها در آن وقت بود. علاوه بر تنوع در ریپرتوار آموزشی که از سازهایی که آموخته بودم، گستردگی موسیقی مورد علاقه‌ای که روزانه به آن گوش می‌دادم (موسیقی کلاسیک، جز، راک، متال، سنتی و ...) در کنار استفاده از تجربیات سایر نغمه‌پردازان یا تنظیم‌کننده‌ها در گروه‌ها و حس کنجکاوی و تمایل به خلق، گرایش به نگارش موسیقی را به سرعت در من افزایش میداد. خوشبختانه استقبال مخاطبین در سالن‌های اجرا و نوازنده‌های گروه‌ها از آثار اولیه سبب شعله‌ورتر شدن این گرایش درونی شد. از سال ۱۳۸۲ نگارش پارتیتورهای کامل را برای گروه‌های موسیقی همکار با استفاده از نرم‌افزارهای موجود آغاز نمودم. از سال ۱۳۸۴ که سرپرستی گروه موسیقی سپهر را عهده‌دار شدم، مسئولیت مستقیم نگارش و

تنظیم آثار برای گروه کاملاً برعهده بنده بود. موسیقی مورد نگارش در این گروه همواره براساس سازبندی در دسترس، دچار تغییر و تحولات گسترده می‌شد و صد البته که همواره محدودیت تکنیکی نوازنده‌های در حال همکاری خود می‌توانست در تنظیم و یا خلق آثار بسیار تأثیرگذار و چالش برانگیز باشد. نخستین آلبوم ضبط خانگی خود را در سال ۱۳۸۵ ضبط و آرشو کردم. این آلبوم با نام قوهای سپید مجموعه‌ای بود از آثار بازآفرینی‌شده یا آثاری اورجینال که برای گروه موسیقی سپهر تا آن زمان تنظیم یا نگارش کرده بودم. ضبط، میکس، مسترینگ و نوازندگی تمام سازها، جز سازهای کوبه‌ای ایرانی را در این اثر نیز خودم انجام دادم. به دلیل محدودیت امکانات خانگی و ضعف‌های مسلم در نوازندگی کیفیت اثر در حد مطلوب نبود و به طبع جهت به یادگار نگه داشتن آثار ضبط‌ها را انجام می‌دادم.

از سال ۱۳۸۵ به بعد تصمیم به نگارش و تولید اثر در ژانرهای مختلف موسیقی و به شکل موسیقی سازی گرفتم و ساختار گروه موسیقی سپهر هم به این شکل تکمیل و ادامه‌دار می‌شد. به این دلیل که همواره فعالیت‌های موسیقایی من در سایه ادامه تحصیل قرار داشت، هیچ‌گاه به صورت جدی و اختصاصی به ضبط و پخش آثار خود فکر نمی‌کردم. آلبوم دوم را در سال ۱۳۸۷ با نام رها که مجموعه‌ای آثار بازآفرینی یا اورجینال و همراه با دکلمه‌هایی از سروده‌های شخصی‌ام بود را برای آرشو شخصی با همکاری دوستانم ضبط و آرشو کردیم. آلبوم سوم را در زمستان ۱۳۹۰ و مجدداً به تنهایی از موسیقی‌های بی‌کلام همان سال با عنوان خلوت ضبط و آرشو کردم.

تحصیل در مقطع دکترای مهندسی و فعالیت‌های پژوهشی مجال چندانی به نگارش آثار جدید را نمی‌داد و به ندرت در زمان‌هایی خاص ترانه‌ها یا موسیقی‌هایی نگارش، اجرا و آرشو می‌شد. پس از پایان خدمت سربازی در زمستان ۱۳۹۴ و اختصاص تمام وقت و انرژی به آموزش و تدریس موسیقی در شهر کرمان عموم نوشتارهای موسیقایی به آموزش و تربیت هنرجوها اختصاص یافت. در زمستان ۹۵ برای شرکت در جشنواره‌های مرتبط با هنر و محیط زیست، ترانه و موسیقایی با مضمون طبیعت و حفظ زمین نگارش و در استودیوی موسیقی پارت تهران با حمایت اساتید عزیزم آقایان رضا عالمی، داود منادی و ناصر رحیمی و خانم آرمینه درمگردیچیان ضبط کردیم. با ضبط این اثر و

با بازخورد بسیار مناسبی که از اساتید دریافت کردم به ضبط اولین آلبوم رسمی خود ترغیب شدم.

آلبوم چشمان

آلبوم چشمان به عنوان اولین آلبوم رسمی منتشر شده در تابستان ۱۳۹۷ است که ضبط آن در خرداد ماه ۱۳۹۶ در استودیوی پارت تهران با حضور نوازنده‌های برجسته موسیقی ایران انجام شد. آثار این آلبوم به صورت گلچینی از آثار گذشته که با آنها خاطرات خوبی داشتم (۵ اثر) که بیشتر در فرم‌ها، قالب‌ها و سازبندی موسیقی‌های پاپیولار نگارش و ضبط شدند. دو اثر دیگر این آلبوم (باران و فروغ ستاره) از آثاری که به سفارش دیگران دریافت نموده بودم و در سازبندی‌های ارکستر بزرگ با همراهی سازه‌های مهمان انتخاب و ضبط شدند.

رها در زمستان ۱۳۸۷، قصه در تابستان ۱۳۸۸، اشتیاق در بهار ۱۳۹۰، چشمان در بهار ۱۳۹۰ برای گیتار و آنسامبل پاپ، قطعه قصه در تیرماه ۱۳۹۱ نگارش شده بودند که مجدداً برای ضبط در آلبوم چشمان تنظیم و نگارش شدند. قطعه باران و فروغ ستاره در زمستان ۱۳۹۵ بنا به سفارش‌های دریافتی به ترتیب برای ارکستر بزرگ با همراهی ترومپت، گیتار، گیتار بیس و درامز، و ارکستر بزرگ با همراهی سازها دف و پیانو و گروه کر نگاشته شدند. متأسفانه، آلبوم چشمان به دلیل عدم عملکرد حرف‌های و مناسب ناشر روند دریافت مجوز بسیار طولانی را سپری کرد و پخش آن در زمان مناسبی و شکل مناسبی انجام نشد.



قطعه باران

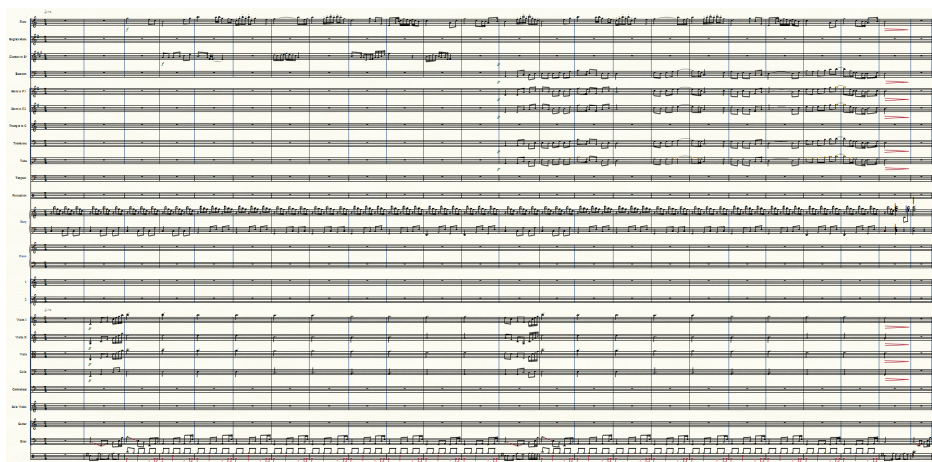
قطعه باران از این آلبوم را در این مقاله کمی بسط و گسترش می‌دهم. قطعه‌ای که فارغ از ساختارهای متداول فرمال در موسیقی کلاسیک یا پاپیولار جهت روایت یک داستان نگارش شده است. این قطعه به سفارش یکی از دوستان بنده که در کار خوانندگی فعالیت داشت بر روی شعر "باز باران با ترانه" اثر سید مجدالدین میرفرخایی (گلچین گیلانی) در ابتدا برای خواننده با همراهی ارکستر نگارش شد؛ اما، پس از مدتی کوتاه تصمیم بر ضبط آن به صورت بی‌کلام و با آوای جادویی ساز ترومپت به عنوان سولو گرفته شد.

موسیقی نگارش شده سعی در دنبال کردن فضای شعر مذکور دارد. در بخش اول، شاعر با مشاهده باران در شهر خاکستری رنگ لندن با آسمانی تاریک، در کنار شنیدن صدای گنجشک‌ها و دیدن جاری شدن آب در خیابان خاطرات کودکی خود از باران بهاری را بیاد می‌آورد.

باز باران با ترانه، با گهرهای فراوان، می‌خورد بر بام خانه، من به پشت شیشه تنها، ایستاده در گذرها، رودها راه افتاده، یک دو سه گنجشک پرگو، باز هر دم می‌پرند این سو و آن سو، می‌خورد بر شیشه و در، مشق و سیلی، آسمان امروز دیگر نیست نیلی،

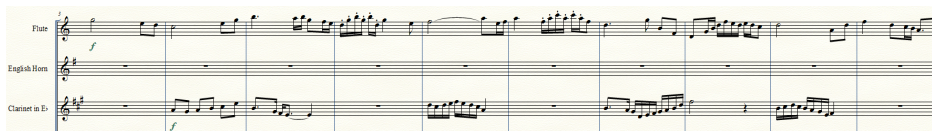
یادم آرد روز باران، گردش یک روز دیرین، خوب و شیرین، توی جنگل‌های گیلان، کودکی ده ساله بودم، شاد و خرم، نرم و نازک، چست و چابک، از پرنده، از چرنده، از خرنده، بود جنگل گرم و زنده، آسمان آبی چو دریا، یک دو ابر اینجا و آنجا،

چون دل من روز روشن، بوی جنگل تازه و تر، همچو می‌مستی‌دهنده، بر درختان می‌زدی پر، هر کجا زیبا پرنده، برکه‌ها آرام و آبی، برگ و گل هرجا نمایان چتر نیلوفر درخشان، آفتابی، سنگ‌ها از آب جسته، از خزه پوشیده تن را، بس وزغ آن جا نشسته، دم به دم در شور و غوغا رودخانه با دو صد زیبا ترانه زیر پاهای درختان، چرخ می‌زد، همچو مستان، چشمه‌ها چون شیشه‌های آفتابی، نرم و خوش در جوش و لرزه، توی آن‌ها سنگ‌ریزه، سرخ و سبز و زرد و آبی با در نظر گرفتن این فضای توصیفی بسیار زیبا از جنگل‌های شمال ایران که عموماً همه ما خاطرات بسیار خوبی از فضای دل انگیز آن داریم به سراغ پارت موسیقی اثر باران برویم.



نمای اسکرول بخشی از پارتیتور اسکورقطعه باران

در توصیف فضای باز و درخشان جنگل تنالیده C Major انتخاب شده و برای القای رقص گونه حرکت درختان و پرندگان در طبیعت زیبای جنگل میزان نمای سه چهارم انتخاب شده و از آنجاکه کودک در جنگل در حال قدم زدن است و اتفاقات در سرعت طبیعی پیش می روند، تمپو در نزدیکی سرعت Andante انتخاب شده است. گشایش موسیقی با آرپژ یک ساز زهی زخمه ای (در پارتیتور ساز هارپ و در ضبط ساز گیتار) با همراهی آرپژ همسوی ماژور در سازهای زهی آرشه ای و نت های کشیده زهی های آرشه ای القای فضایی رویایی و درخشان را برعهده دارند. ملودی اصلی بر عهده ساز جادویی فلوت است که با اجرای استادانه ناصر رحیمی آواز پرنده ها را در ذهن یادآور می شود. کنتر ملودی به زیبایی اجرا شده توسط کلارینت سی بمل (در پارتیتور می بمل) توسط محمد حسین پورمعین نماینده صدای پرنده دوم در پاسخ به آواز پرنده یا دسته پرنده اول است. کمی که پیش می رویم به عمق جنگل وارد می شویم، بادی برنجی های بتر می توانند آواز وزغ ها را در سطحی پایین از نظر صدایی برای ما تداعی کنند.

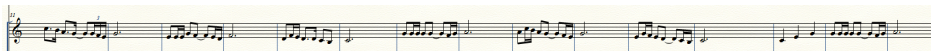


ملودی و کنترملودی فلوت و کلارینت در آغاز قطعه



گشایش سازهای زهی آرشهای و حلهای نرم هارمونی برای ایجاد تصویری پایدار و خیال انگیز

پس از عبور از introduction نوبت به روایت فضا از زبان شاعر توسط نوازنده ترومپت سولو با اجرای بسیار زیبای حسن فراهانی (خواننده در نسخه قدیمی‌تر) می‌رسد. ملودی دارای ساختاری پیوسته، با نت‌های عمدتاً کشیده، پرش‌های کوتاه، ریتمی جز مانند، در بیشتر مواقع دارای ساختاری پایین‌رونده یا کمانی است. تمام این ویژگی‌ها می‌تواند در کنار صدای گرم و غنی ترومپت، رویایی‌بودن فضای موسیقی را تشدید کند.



بخشی از خط ملودی سولو برای ساز ترومپت (خواننده)

پس از عبور از روایت زیبایی‌ها و بازه‌ای کودکانه شاعر که در هارمونی و ملودی و ریتم همراه نمود خود را داشتند، روند فضای شعر نیز تغییر می‌کند که بخشی از آن را در ادامه آورده‌ام:

اندک اندک، رفته رفته، ابرها گشتند چیره، آسمان گردید تیره، بسته شد رخساره خورشید
رخشان، ریخت باران، ریخت باران، جنگل از باد گریزان، چرخ‌ها می‌زد چو دریا، دانه‌های گرد
باران پهن می‌گشتند هر جا، برق چون شمشیر بران، پاره می‌کرد ابرها را، تندر دیوانه غران،
مشت می‌زد ابرها را ...

با تغییر فضای حاکم بر روند شعر و تیره شدن و طوفانی شدن هوا مد (mode) مورد استفاده در موسیقی و فیگورهای موتیفیک و ریتمیک هم می‌تواند تغییر کند. بنابراین موسیقی از حالت تنال ماژور به موسیقی مدال و مدهای مینور تغییر حالت می‌دهد و همانند سرگردانی و پرنده‌ها و چرخش و گردش درختان در طوفان و ... موسیقی بین مدهای آئولین و فریژین در چرخش است. پاساژها و تحرک‌های سازهای زهی آرشه‌ای با اجرای زیبای نوازندگان چیره‌دستی چون رضا عالمی، مازیار

ظهیرالدینی، محمدرضا کریمی، سهراب برهمندی و کریم قربانی فضای حاکم را به خوبی تقویت می‌کند.

تغییرات مودال و تحرکات سازهای زهی آرشهای

سولوی ویولن که به زیبایی هرچه تمام توسط مازیار ظهیرالدینی اجرا شده نمایانگر رعد و برق و

تندر است:

سولوی ویولن

با پایان یافتن طوفان و باران، فضا رویایی و بسیار دلفریب می‌شود:

سبزه در زیر درختان، رفته رفته گشت دریا، توی این دریای جوشان، جنگل وارونه پیدا، به چه
زیبا بود جنگل، بس فسانه بس ترانه، بس گوارا بود باران، می‌شنیدم اندر این گوهر فشانی،
رازهای جاودانی، پندهای آسمانی، بشنو از من کودک من، بیش چشم مرد فردا، زندگانی
خواه تیره خواه روشن، هست زیبا هست زیبا هست زیبا

این زیبایی محض در تنالیته لا مینور را اجرای بداهه بسیار زیبا و چیره دستانه گیتار توسط فیروز ویسانلو و با پاسخ‌های دل‌انگیز ترومپت حسن فراهانی به اوج می‌رسانند. نوازندگی هنرمندانه درامز بهنام شهرکی و گیتار بیس فیروز ویسانلو نیز در تمام طول قطعه به رنگ‌آمیزی بهتر اثر کمک شایانی

کرده است. فضا سازی بادی های برنجی با نوازندگی فرشاد شیخی، حسن فراهانی و حسین شریفی، در تولید ریتم هارمونی، تشدید فضا سازی و ایجاد رنگ بندی این اثر را از کارهای پاپیولار متداول بسیار دور می کند.

قطعه باران به فراخوان پخش موسیقی کمپانی Sheed Records آمریکا در زمستان ۱۳۹۶ ارسال و به عنوان اثر برگزیده انتخاب شد؛ اما، به دلیل احوال کاری ناشر آلبوم چشمان در روند اخذ مجوزها و نشر اثر، امکان پخش توسط شرکت آمریکایی از دست رفت.

آلبوم های موسیقی ایرانی برای آنسامبل

پس از آلبوم پرکار و بسیار پرهزینه چشمان، چند وقتی تنها به نگارش آثار برای هنرجویان در گروه موسیقی سپهر و آنسامبل ملی هونیاک مشغول شدم. موفقیت آلبوم چشمان در جلب نظر اهالی صاحب نظر در موسیقی جسارت بیشتری برای نگارش به من داد. اجرای موفق آنسامبل سپهر در دهمین همایش خیریه در زمستان ۱۳۹۷ و کارگاه موفقیت آمیز نوازندگی و آنسامبل در همان زمستان با همراهی استاد عالمی سبب شد تا آنسامبل ملی هونیاک هم برای یک کنسرت در تابستان ۱۳۹۸ آماده شود. آثاری از بزرگان موسیقی ایران در دستگاه هایون، آواز اصفهان، آواز دشتی و دستگاه ماهور برای آنسامبل زهی به همراهی تار، سنتور، کمانچه (ویولن)، تمبک، دایره و دف تنظیم و در کنسرت های تابستان و پاییز ۱۳۹۸ به اجرا درآمدند. پس از استقبال مخاطبین از آثار بازسازی شده تصمیم به ضبط و نشر آثار در سه آلبوم متفاوت گرفته شد؛ اما پس از سنگ اندازی انجام گرفته توسط میراث داران آهنگسازان در واگذاری حق نشر آثار از انتشار رسمی آثار صرف نظر شده و ضبط ها به صورت آرشیو نگهداری می شوند.

آلبوم بدرود

بازتاب مثبت مخاطبین از اجراهای آنسامبل موسیقی سپهر در سال های ۱۳۹۳ تا ۱۳۹۷ که مبنی بود بر آهنگ هایی که در دوران نوجوانی نوشته و مجدداً برای آنسامبل تنظیم کرده بودم، سبب شد تا

به ضبط برخی از این آثار در آلبوم بدرود بپردازم. تعدادی از این قطعات به صورت تک آهنگ‌هایی توسط شرکت ساز و آواز کویر در سال ۱۳۹۹ منتشر شد و آلبوم کامل بعدها در کانال یوتیوب شخصی بارگذاری شدند. قطعات این آلبوم: قوهای سپید (سال ۱۳۸۵)، خلوت (سال ۱۳۹۰)، والس بهار (تم سال ۱۳۸۶ تنظیم برای آنسامبل ۱۳۹۷)، اشک در چشمانت (سال ۱۳۸۶)، گذر زمان (سال ۱۳۸۶)، حس متفاوت (سال ۱۳۸۳) و بدرود (سال ۱۳۹۹) هستند. نکته لازم در خصوص ضبط آلبوم بدرود این است که در اوج دوران همه‌گیری کرونا و پیش از واکسیناسیون با حداقل امکانات ضبط خانگی انجام شده و از محدود آلبوم‌هایی است که با تنوع بالای سازی در خارج از پایتخت و شهرهای بزرگ به سرانجام رسیده است. ضبط و نشر این آثار تنها جنبه ثبت حافظه‌های داشته است. در ضبط این آثار احسان ثمره‌طاهری و بهناز نقیبی من را یاری کردند.

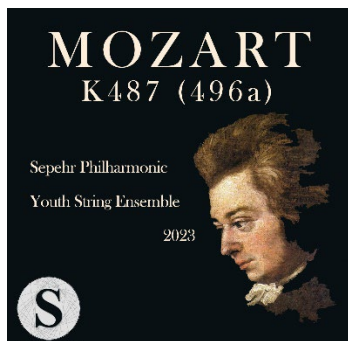


کاورهایی از آلبوم بدرود

آلبوم موتزارت (496a) K487

در روند آموزش آنسامبل فیلارمونیک جوانان سپهر نیازی مبرم به داشتن رپرتوار موسیقی کلاسیک غربی، اما در سطح هنرجویان به شدت احساس می‌شد. ناهمسانی ابتدایی در ساختار این آنسامبل از نظر سطح توانایی نوازندگان سبب شد تا مجبور به نگارش و تبدیل قطعات موسیقی کلاسیک برای این آنسامبل باشم. در این روند آلبوم K487 موتزارت، ۱۲ قطعه که برای دونوازی هورن نگارش شده است (اما برای دو ویولن نیز ویرایش گردیده)، یک ست کامل از قطعات زیبا را در اختیار ما قرار داد. با افزودن یک خط باس برای ویولنسل و یک خط میانی برای ویولا توانستم ۱۲ قطعه آموزشی خوب

برای هنرجویانم در آنسامبل فیلارمونیک جوانان ایجاد کنم، تا کنون ضبط ۴ قطعه از این آلبوم بر روی کانال یوتیوب شخصی بنده برای نمونه و آرشیو قرار گرفته است. در ضبط این آلبوم پویا افشین نوازنده و مدرس ویولن کمک بسیار شایانی ارایه کرد.



کاور آلبوم Mozart K487(496a)

مجموعه آلبوم‌های آنسامبل برای نوآموزان زهی ارشهای

از دیگر پروژه‌های بزرگی که در روند آموزش آنسامبل برای هنرجویان تعریف شده و در دست انجام است، تبدیل رپرئوار آموزشی آنها (که بر اساس سرفصل توسعه موسیقی رویال کنسرواتوار تورونتو توسط اینجانب تدوین و تألیف گردیده و تا کنون ۱۰ کتاب از این مجموعه توسط شخص بنده و نشر



کاور آلبومها برای نوآموزان شماره ۱

هنر دژاکام به چاپ رسیده است) به قطعاتی برای آنسامبل زهی بوده است. کارهایی مشابه و بسیار ارزشمندی توسط انجمن سوزوکی و مربیان بزرگ موسیقی انجام شده است؛ اما گستردگی و حجم این مجموعه می‌تواند در نوع خود بی‌بدیل باشد. این مجموعه عمدتاً برای یک ساز سولو (ویولن، ویولا یا ویولنسل) با همراهی یک کوارتت یا تریوی زهی در دست نگارش است. جلدهایی از این مجموعه در سال جاری توسط نشر هنر دژاکام با همت شهاب جعفری منتشر خواهد شد. آلبوم‌های صوتی این کتاب‌ها که به صورتی ویژه در دست تهیه و تولید قرار دارند، می‌توانند مجموعه‌ای ارزشمند برای کودکان و نوجوانان از نظر شنیداری و تربیت و توسعه نوازندگی باشند.

مجموعه آلبوم‌های چهارصدایی آکا‌پلا

آواز گروهی و عضویت در آنسامبل‌های آوازی، بخش بسیار مهمی از آموزش موسیقی به علاقه‌مندان دارای هدف و پشتکار بالا را شامل می‌شود و کمک شایانی به پیشرفت برنامه سلفژ و تربیت شنوایی هنرجویان می‌کند. از دیگر برنامه‌های در دست اجرا در ردیف نشر و نوشتار موسیقی، تنظیم قطعات و ملودی‌های آسان برای گروه‌های آوازی تحت‌آموزش بنده در خانه موسیقی سپهر است. استفاده از ملودی‌های فولک و آشنا و تبدیل آنها به آثاری چهار صدایی (سوپرانو، آلتو، تنور و باس) و ضبط این مجموعه به صورت ویژه می‌تواند ابزار کمک آموزشی بسیار ویژه‌ای برای هنرجویان موسیقی باشد. مجموعه این آثار هم در قالب چند کتاب به زودی برای چاپ به نشر هنر دژاکام سپرده خواهد شد. شایان ذکر است که مجموعه آثار چاپ و منتشرشده از اینجانب عموماً در راستای اهداف آموزشی و یا ثبت و نگهداری یک اثر برای حفظ خاطره خوب آن انجام شده است. جنبه‌های اقتصادی در تولید و نگارش آثار یا شرکت در جشنواره‌های آهنگسازی تا کنون مد نظر نبوده است. نقص در ضبط و نشر آثار جدید هم به دلیل مشغله بالای آموزشی و پیگیری در حصول نتیجه در امر آموزش هنرجویان است. امیدوارم در ماه‌های پیش‌رو امکان وقتی بیشتری برای نگارش و ضبط داشته‌باشم تا بتوانیم گام‌هایی هرچند کوچک در این راستا برداریم. تلاش برای ضبط آثار گذشته و همچنین تجهیز امکانات در حال حاضر این توانایی را برای ما ایجاد کرده که تا حد امکان برای روند نگارش،

ضبط، میکس و مسترینگ کارهایی که به یک آنسامبل زهی آرشه‌ای احتیاج دارند تا حد زیادی به خارج از شهر کرمان وابسته باشیم و این برای شخص بنده که در سال ۱۳۹۶ برای ضبط نخستین آلبوم خود به ناچار به تهران رفته و هزینه‌های کلانی متقبل شدم، می‌تواند خبر بسیار خوبی باشد. امیدوارم تا به تدریج کیفیتی بسیار مطلوب و در سطحی قابل ارایه برای تمام ژانرهای موسیقی در شهر کرمان دست پیدا کنیم.

در انتها نیز باید قدردان زحمات شهاب جعفری عزیز و پیگیری ارزشمند نشر هنر دژاکام برای ثبت و چاپ این روندها در تاریخ موسیقی کرمان باشم و برای این مجموعه آرزوی سلامتی، توان و پیروز دارم.